



وطن اتخاذی

وطن اتخاذی

مسأله ۵۳۶) وطن اتخاذی از جهت عرف مکانی است که انسان آنجا را به عنوان وطن و محل سکونت قرار داده است در حالی که قبلاً وطن او نبوده است ؛ خواه از وطن اصلی إعراض کرده باشد یا نه.

مسأله ۵۳۷) در تحقق وطن اتخاذی ؛ فرقی نمی کند که فرد قصد زندگی دائم یا قصد زندگی بدون تعیین مدت یا قصد زندگی به مدت طولانی در آن مکان را داشته باشد.

مسأله ۵۳۸) اگر قصد دارد در جایی حدود ده سال بماند، بعید نیست عرفاً برای صدق وطن اتخاذی کافی باشد.

مسأله ۵۳۹) در صدق عرفی وطن اتخاذی، صرف نیت کافی نیست، بلکه تحقق لوازم وطنیت نیز خصوصیت دارد ؛ مانند اینکه با قصد توطن مدتی (مانند یکی دو ماه) در آنجا بماند و یا کارهایی را انجام بدهد که عادتاً انسان برای توطن در یک مکان آن کارها را انجام می دهد.

مسأله ۵۴۰) اگر شخصی با قصد توطن در محلی، از ابتدا خانه ای اجاره کرده یا بخرد یا کسب و کاری پیدا کند، از همان موقع وطن محقق می شود و نمازش تمام است و گذشت یکی دو ماه برای تحقق وطن لازم نیست.

مسأله ۵۴۱) اگر بعد از قصد توطن و قبل از انجام آنچه که برای تحقق وطن لازم است (مانند آنچه در دو مسأله قبل بیان شد)، در ماندن در آن مکان مردد شود، عنوان وطن محقق نشده و در صورتی که قصد ماندن ده روز را نداشته باشد، نمازش قصر است.

مسأله ۵۴۲) اگر کسی خانه ای در شهر دیگری ؛ مانند مشهدالرضا (صلوات الله علیه) یا در منطقه ای بیلاقی تهیه کند و بخواهد مرتب - مثلاً هر هفته - برای زیارت یا تفریح به آنجا برود، در صورتی که مدت اقامت او در آن مکان به مقداری نباشد که عرفاً آن مکان برای او محل استقرار و زندگی محسوب شود، نمازش در آنجا قصر است و روزه اش صحیح نیست.

مسأله ۵۴۳) جایی را که انسان برای مدت یکی دو سال برای زندگی انتخاب می کند، عرفاً وطن نیست ولی مسافر هم بر او صدق نمی کند، بنابراین بدون قصد اقامت ده روز هم نمازش تمام است.